

اعلام رهبری از طرف علما در حقیقت مشروعیت بخشیدن به جایگزینی جدید است و در ضمن، بیانگر رابطه نزدیک بین آل سعود، و فرقه وهابیون نیز هست.

برخی از آگاهان سیاسی، با توجه به رویدادهای فوق، چند سناریوی مختلف را برای آینده نزدیک عربستان سعودی مطرح کرده اند:

سناریوی اول: فهد برای سالها به حیات خود ادامه خواهد داد. در این حالت، تا زمانی که فهد زنده است، پادشاه باقی خواهد ماند، مگر اینکه خود تصمیم به استعفا گیرد. حتی اگر او توانایی جسمی و روحی لازم را نیز از دست بدهد، خانواده سلطنتی وی را به صورت نمادین در قدرت حفظ خواهد کرد.

در این صورت، احتمالاً شخص دیگری به نخست وزیری منصوب خواهد شد. این همان وضعی بود که در زمان پادشاهی ملک خالد وجود داشت. در آن زمان نیز بیشتر امور را فهد که مقام نخست وزیری را عهده دار بود، انجام می داد.

سناریوی دوم: زندگی ولیعهد عبدالله قبل از فهد خاتمه می یابد. بنابراین گزارشها، هر چند عبدالله از سلامت کامل برخوردار است، اما نمی توان امکان اینکه او قبل از فهد از بین برود را نادیده گرفت. در این صورت، مشکل جایگزینی ولیعهد پیش خواهد آمد. به طور نظری، این تصمیم بر عهده ملک فهد

خواهد بود. اما در مرحله عمل، اتفاق نظر و موافقت اعضای ارشد خانواده سلطنتی نیز لازم است. بهترین نامزد احتمالاً شاهزاده سلطان خواهد بود که هم در مقام وزیر دفاع دارای تجربه کافی است و هم جاه طلبی فراوان دارد.

سناریوی سوم: پس از مرگ فهد، عبدالله جانشین او می شود. در این حالت، اگر عبدالله بخواهد حکومتی با ثبات داشته باشد، مجبور به ایجاد اتحادها و ائتلافهایی درون خانواده سلطنتی خواهد بود؛ زیرا به خلاف فهد و ۶ برادر تنی اش که ۵ تن از آنها دارای مقامهای مهم دولتی هستند، عبدالله هیچ برادر تنی ندارد.

گروه بررسی و تحقیق مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

## آوارگان فلسطینی

### حل پیدایش مشکل

هیچ مسئله ای در سازمان ملل در چهل و سه سالی که از موجودیت این سازمان می گذرد همچون مسئله آوارگان فلسطینی تا این حد مطرح نبوده و مورد بحث قرار نگرفته است. با این حال، از بین تمام مشکلات جاری مربوط به آوارگان، این مسئله نه تنها قدیمی ترین مسئله است، بلکه سایر مسائل

را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهد.

برای درک پیچیدگی مسئله آوارگان فلسطینی باید در نظر داشت که علل اصلی این مسئله از کشمکش میان بومیان عرب فلسطین با مهاجران صهیونیست در دوران قیمومت انگلستان (۱۹۲۲-۴۸) سرچشمه گرفته است. درگیری های فرقه ای بر سر مسئله فلسطین، با قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل (نوامبر ۱۹۴۸) در مورد تقسیم این سرزمین و تاسیس اسرائیل (مه ۱۹۴۸) پیچیده تر شد. واکنش اعراب نسبت به این بی عدالتی به درگیری های گسترده تر اجتماعی، جنگ و شکست ارتشهای عرب (۱۹۴۸-۴۹) انجامید. در این جریان، آرزوی صهیونیستها برای تسلط بر فلسطین، با اخراج ۷۵۰ هزار عرب فلسطینی (از یک میلیون و سیصد هزار نفر جمعیت) از سرزمینها و خانه های خود برآورده شد. بدین ترتیب، مسئله آوارگان فلسطینی که ۶۰ درصد از کل جمعیت فلسطین را تشکیل می دادند، پدید آمد. ولی وضع ناگوار آنها در حاشیه مرزهای فلسطین در ۱۹۴۸-۴۹ موجب شکل گیری تلاشهای هماهنگ در سازمان ملل برای پایان دادن به آن وضع در چارچوب یک راه حل سیاسی شد. کانون نگرانی سازمان ملل قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی بود. در این قطعنامه آمده است:

«آوارگانی که قصد بازگشت به موطن خود را دارند و خواهان زندگی در صلح با همسایگان خویش هستند، باید در نخستین فرصت ممکن اجازه بازگشت داشته باشند. به کسانی که مایل به بازگشت نیستند، غرامت پرداخت شود...»

این امر، نشانگر یک اصل جا افتاده در حقوق بین الملل بر پایه حق بازگشت بی قید و شرط بود که در گزارش میانجی صلح سازمان ملل، کنت برنادوت (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸)، اعتبار زیادی داشت. از آن زمان به بعد، همواره قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی، اساس قطعنامه ها در مورد مسئله آوارگان فلسطینی بوده است.

کمیسیون مصالحه سازمان ملل که طبق قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی تشکیل شد، قدرت اجرایی نداشت. اسرائیل در مورد مسئله بازگشت فلسطینی ها به سرزمینشان رفتاری دوگانه داشت و تنها به شمار اندکی از آوارگان اجازه بازگشت داد. بازگشت بقیه را نیز به اسکان مجدد در مکانهای انتخابی و موافق نامه صلح با کشورهای عرب مشروط کرد.

این امر نه تنها روند مصالحه سازمان ملل را بی اعتبار کرد، بلکه تنشهای موجود میان کشورهای عرب و اسرائیل را شدت بخشید و در نهایت منجر به بروز ۴ جنگ منطقه ای و بحران بین المللی نفت

(۱۹۷۳-۱۹۷۴) شد. در همین حال، اسرائیل کنترل بخش قابل ملاحظه ای از زمینهای تخلیه شده و دارایی هایی که در اختیار حافظ دارایی های اشخاص غایب قرار گرفته بود، به دست گرفت. این دارایی ها صرف جذب مهاجران یهودی از اروپا و جهان عرب و دیگر نقاط جهان شد - تنها در اوایل ۱۹۵۰، مبلغ ناچیزی به عنوان غرامت به آوارگان پرداخت گردید.

### بازگشت به میهن یا اسکان مجدد

مؤسسه کار و امداد سازمان ملل متحد در مه ۱۹۵۰، به منظور رسیدگی به نیازهای فوری آوارگان فلسطینی تاسیس شد. تاسیس این مؤسسه با شکست فرایند صلح مصادف بود. ولی این مؤسسه برنامه گسترده تری برای طرحهای توسعه همه جانبه اقتصادی داشت که بر آوارگان به عنوان یک گروه اجتماعی تاثیر می گذاشت. اینکه این مؤسسه به واقع متعهد به اجرای برنامه ای بود که به راه حل های سیاسی بر پایه اسکان دوباره آوارگان خارج از فلسطین منتهی می شد یا تنها واکنشی بین المللی بود نسبت به شرایط انسانی مسئله ای قابل بحث است.

دولتهای عرب میزبان از تاثیر بالقوه بی ثبات کننده حضور تعداد بیشماری از آوارگان گله مند بودند. در لبنان، احتمال بر هم خوردن توازن فرقه ای وجود داشت.

ترور ملک عبدالله در ۱۹۵۵، در پی ضمیمه کردن کرانه غربی از سوی اردن در ۱۹۵۰، بازتابی از عمق احساس ساکنان بومی فلسطینی نسبت به موطنشان بود. بعلاوه، آنها به طرحهای اقتصادی مؤسسه کار و امداد سازمان ملل نیز علاقه ای نداشتند؛ زیرا طبق گزارش (۱۹۵۹) دبیر کل سازمان ملل، فلسطینی ها از جنبه های سیاسی و روانی این مسئله ناراضی بودند.

در پی بحران مالی اواخر دهه ۵۰، مؤسسه کار و امداد سازمان ملل فعالیت خود را بر امور آموزشی و تعلیمات حرفه ای و مراقبتهای بهداشتی متمرکز کرد. با تاکید بر آموزش حرفه ای و برنامه های ابتکار فردی، امید می رفت که فلسطینی ها بتوانند در اقتصاد روبه رشد منطقه، بویژه در کشورهای حوزه خلیج فارس، از فرصتهای شغلی بیشتری برخوردار شوند. فرصتهای شغلی در خلیج فارس، بویژه در دوران شکوفایی نفت، در دهه های ۷۰ و ۸۰، سهم بسزایی در مهاجرت حدود ۱۰ درصد از جمعیت فلسطینی داشت - تعدادی از آنها در ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ جابجا شده بودند.

به رغم مهاجرت چشمگیر فلسطینی ها طی سالهای گذشته، بویژه از سرزمینهای اشغالی، شمار آوارگان ثبت نام شده همچنان روبه افزایش بود و از ۷۵۰ هزار نفر در ۱۹۴۹ به ۲/۵ میلیون نفر در ۱۹۹۱

رسید. در پی جنگ شش روزه (ژوئن ۱۹۶۷) و اشغال کرانه غربی و نوار غزه از سوی اسرائیل، حدود ۱۵۰ هزار آواره ثبت نام شده به اردن گریختند و برای دومین بار جابجا شدند. علاوه بر آن، حدود ۲۴۰ هزار تن از ساکنان قبلی کرانه غربی و نوار غزه به عنوان افراد تازه جابجا شده در اردن ثبت نام شدند. به رغم صدور حکم «بازگشت» فلسطینی ها، بند ۱ قطعنامه ۲۳۷ شورای امنیت (ژوئن ۱۹۶۷)، که اسرائیل همواره آن را نادیده گرفته است، تنها شمار اندکی به سرزمین خود بازگشتند.

در حال حاضر، مؤسسه کار و امداد سازمان ملل دارای ۶۳۲ مدرسه، ۸ آموزشگاه حرفه ای، ۱۰۴ مرکز پزشکی و کارکنان زیادی است که بیشتر فلسطینی هستند. در پی بروز مشکلات اقتصادی ناشی از انتفاضه و جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱)، این مؤسسه برنامه هایی را به منظور توسعه فعالیت های درآمدزای موجود از طریق سرمایه گذاری در شرکتهای بازرگانی کوچک و متوسط و امور زیربنایی که تا حدودی یادآور دهه ۵۰ است، به اجرا گذاشت. در مراکز پذیرش، مراقبت بهداشتی و کمکهای غذایی در اختیار حدود ۲۵۰ هزار فلسطینی با گذرنامه های اردنی قرار گرفت. بسیاری از آنها به عنوان آوارگانی که بین اوت ۱۹۹۰ تا مارس ۱۹۹۱ از کویت فرار کرده یا اخراج

شدند، ثبت نام گردیدند. علاوه بر آن، مؤسسه ۲۵۰۰ دانش آموز جدید فلسطینی را در برنامه های آموزشی خود جذب کرد. به طور کلی، مؤسسه کار و امداد سازمان ملل به تازگی کار آذوقه رسانی به ۲/۵ میلیون آواره فلسطینی از جمعیت ۵/۵ میلیون نفری فلسطینی را بر عهده گرفته است (گزارش ۱۹۹۰-۱۹۹۱ مؤسسه کار و امداد سازمان ملل).

حدود ۴۲ درصد فلسطینی ها به عنوان آواره طبقه بندی شده و از مؤسسه کار و امداد سازمان ملل کمک دریافت می کنند. از این تعداد حدود ۳۳ درصد در ۶۰ اردوگاه در سوریه و لبنان و اردن و سرزمینهای اشغالی زندگی می کنند. تصور سرنوشت آوارگان، بدون کمکهای این مؤسسه و دیگر مؤسسات امدادرسانی مانند یونسکو و سازمان بهداشت جهانی و صلیب سرخ و دیگر سازمانهای خیریه بین المللی که سالهای متمادی به فلسطینی ها کمک کرده اند، بسیار دشوار است.

با آنکه مؤسسه کار و امداد سازمان ملل از وجهه بین المللی برخوردار است، ولی دارای محدودیتهای سیاسی خاصی می باشد. به عنوان مثال، تنها ۲۴ کشور به این مؤسسه کمک مالی قابل قبولی می کنند. آمریکا همواره بزرگترین کمک کننده بوده و بیش از ۵۰ درصد از بودجه سالانه آن را

تأمین کرده است. علاوه بر آن، مؤسسه موظف است از طریق دولتهای میزبان از جمله تشکیلات اداری اسرائیل در سرزمینهای اشغالی عمل کند. در حالی که این مؤسسه مسئله آوارگان را نهادین کرده است، ولی تعهد سازمان آن را از ایجاد تاسیسات زیربنایی ملی در زمینه بهداشت و آموزش، بویژه در سرزمینهای اشغالی، جایی که کارکنانش از سوی تشکیلات نظامی مورد آزار قرار گرفته اند و حتی شماری از آنها زندانی شده اند، باز می دارد. نهادهای مؤسسه برای برآوردن نیازهای ضروری و اساسی آوارگان ثبت نام شده ایجاد گردیده است، ولی این نهادها فاقد هماهنگی و اختیارات تام در چارچوب حاکمیت ملی در سرزمینهای اشغالی هستند. در حقیقت، مداخله اسرائیل در امر آموزش و مراقبت پزشکی، از روی عمد، تکامل نهادهای ملی فلسطینی را تضعیف کرده است. به طور مثال، سازمان بهداشت جهانی در اجلاس مه ۱۹۹۰ خود اسرائیل را به علت وخامت وضع بهداشت در سرزمینهای اشغالی محکوم کرد.

امروزه، تعداد آوارگان ثبت نام شده در سرزمینهای اشغالی ۵۴ درصد کل جمعیت ۱/۷۵ میلیون نفری آن را تشکیل می دهد (۹۳۸/۲۰۹). در کرانه غربی ۲۵ درصد از این آوارگان در ۲۰ اردوگاه و در

نوار غزه حدود ۵۵ درصد در ۶ کمپ به سر می برند. غزه دارای تقریباً بیشترین تراکم جمعیت (۱۲۵۰ نفر در هر کیلومتر مربع) در جهان است. از لحاظ اقتصادی - اجتماعی تمیز قائل شدن بین شیوه های زندگی آوارگان و غیر آوارگان در دوران چهار ساله انتقاصه دشوار است. دلیل آن نیز برقراری ساعات طولانی منع عبور و مرور، وضع مالیاتهای سنگین و قوانین ظالمانه برای ورود کارگران فلسطینی به اسرائیل می باشد که محدودیتهای کاری ایجاد کرده است. قطع ارسال پول از طرف فلسطینی های ساکن منطقه خلیج فارس نیز تاثیر بدی بر اقتصاد گذاشته است. تا ژوئیه ۱۹۹۱، تعداد ۹۶۸ فلسطینی از سوی نیروهای اسرائیلی کشته، ۱۱۶ هزار نفر مجروح و ۷۷ نفر اخراج شدند. حدود ۱۵ هزار نفر نیز در زندان موقت و در شرایط اسفناکی به سر می برند. در واقع، در چارچوب یک نظام بشدت سرکوبگر که حقوق بشر را با نادیده گرفتن مفاد پروتکل چهارم ژنو نقض می کند، آلام مشترک بالاتر از وضعیت آوارگی رسمی قرار دارد.

### کاتالیزور صلح

به نظر می رسد که وضعیت نابسامان ۲/۵ میلیون آواره فلسطینی بی پایان و حل نشدنی باشد. می گویند که سرزمین مقدس،

سرزمین معجزات است. با توجه به اهمیت مسئله، چگونه می‌توان بدبین و خوار طلب بود. می‌گویند که سرزمین مقدس سرزمین معجزات است. بنابراین، همگان متقاعد شده‌اند که همه چیز امکان‌پذیر است. اسرائیل مدعی است که مسئله آوارگی را اعراب خودساخته و پرداخته‌اند، در حالی که منابع لازم برای «اسکان دوباره» و حل مسئله آوارگان در جهان عرب موجود است. مبنای تاریخی این بحث، همان گونه که شاهد بودیم، مورد تردید است و در مورد بقیه جای شک و تردید وجود دارد. حال، فرض کنیم مشکلات فراوانی برای بازگرداندن تبعیدیان ۱۹۴۸ و آنها که به درجات مختلف در کشورهای عرب دوباره اسکان یافته‌اند، وجود داشته باشد. اگر این فرض تا حدودی معتبر باشد باید مسئله اسکان دوباره را مطالعه کرد و از لحاظ نظری آن را به موارد زیر ربط داد.

الف) فرض آزادی داری‌های منقول آوارگان (حسابهای بانکی مسدود شده و غیره)؛

ب) کمک‌های جامعه بین‌المللی جهت کمک به فرایند بازسازی اقتصادی.

از این رو، مؤسسه کار و امداد سازمان ملل نقش زیربنایی خواهد داشت. حال، فرض کنیم که اسکان دوباره در کشورهای عرب باید با توافق سیاسی در

سرزمینهای اشغالی بر پایه اصل تعیین سرنوشت ملی پیوند یابد. همان گونه که مشاهده کردیم، برنامه خدمات مالی مؤسسه کار و امداد سازمان ملل در دهه ۶۰ به دلیل ربط ندادن آن به یافتن راه حل سیاسی قابل قبول برای آوارگان با شکست مواجه شد. ولی با فرض صدور گذرنامه‌هایی با مهر شهروند کشور فلسطین، تبعیدیان یا آوارگان از مزایای فراوانی برخوردار خواهند شد (مانند موقعیت اجتماعی بهتر، حمایت قانونی، آزادی سفر به فلسطین یا اسکان در اسرائیل به عنوان غیر شهروند و حتی طرح مسئله پرداخت غرامت به داری‌های غیر منقول از طریق قانونی). به لحاظ نظری، مسئله آوارگی ممکن است در جوئی مناسب به عنوان کاتالیزوری برای صلح عمل کند. متأسفانه واقعیت‌های کنونی، نادرستی تحلیل‌های ما را به اثبات رسانده است.

البته، در عمل ما با بحثی که انجام دادیم به اصل مهمی که در بند ۱۱ قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی (اسکان یا بازگرداندن مجدد با پرداخت غرامت) گنجانده شده و با تعدادی از قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت به عنوان پایه‌های کنفرانس بین‌المللی صلح بر مبنای راه حل دوجانبه مرتبط است، بازگشته‌ایم.

باید امیدوار بود که در فرایند کنونی صلح، آمریکا و دیگر قدرتهای بزرگ، با

## خاورمیانه و نظم نوین جهانی

شتاب و عزمی راسخ، تمام جنبه های مسئله فلسطین را با رعایت عدالت برای همه مورد بررسی قرار دهند. آینده نظم نوین جهانی ممکن است به این امر وابسته باشد.

### مقدمه

کنفرانس دو روزه «خاورمیانه و نظم نوین جهانی» در روزهای نهم و دهم سپتامبر ۱۹۹۴ در شارلوتسویل ویرجینیا برگزار شد. در این کنفرانس که به مناسبت بازنشستگی و به پاس قدردانی از خدمات چهل ساله پروفسور روح الله رضضانی ترتیب یافته بود، حدود ۵۰۰ استاد، محقق، سیاستمدار، نویسنده، روزنامه نگار و دانشجو شرکت داشتند. کنفرانس مسائلی چون روند صلح در خاورمیانه، امنیت منطقه ای، مسائل اقتصادی، دینامیسم تغییرات اجتماعی، دموکراتیزه کردن و بالاخره سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال خاورمیانه را مورد بررسی قرار داد. سخنرانان به نحو شایسته ای از مقام علمی و خدمات ارزنده پروفسور رضضانی، بویژه در زمینه امور خاورمیانه، تجلیل کردند. در این کنفرانس، تعدادی از سخنرانان مسائل مربوط به ایران را مورد بررسی قرار دادند. از جمله آنها روند صلح ایران و عراق، وضعیت دانشگاههای ایران و چالش مدرنیزاسیون، دموکراسی مذهبی در ایران و وضعیت زنان در این کشور را مورد توجه قرار دادند.

جدول یک - تقسیم کل جمعیت فلسطینی بر پایه پراورد ۱۹۸۹

کشور	جمعیت	درصد
اردن	۱,۳۵۷,۱۶۷	٪۲۴/۴
• کرانه غربی	۱,۰۴۰,۰۰۰	٪۱۸/۷
اسرائیل	۷۳۰,۶۶۴	٪۱۳/۱
• نوار غزه	۵۹۵,۶۶۶	٪۱۰/۷
• لبنان	۴۵۱,۲۹۷	٪۸/۱
کویت	۳۷۸/۰۰۰	٪۶/۸
• سوریه	۲۸۱,۹۳۳	٪۵/۸
حریستان سعودی	۱۶۹,۳۳۳	٪۳/-
آمریکا	۱۶۰/۰۰۰	٪۲/۴
مصر	۶۷/۰۰۰	٪۱/۴
کشورهای سرروز تعلیم فارسی	۶۲,۲۸۵	٪۱/۱
عراق	۲۸/۴۱۰	٪۰/۵
لبنان	۲۴/۹۲۶	٪۰/۴
دیگر کشورها	۲۲۸,۲۸۱	٪۴/۵
جمع	۵,۵۵۲,۹۹۲	٪۱۰۰

• منطقه عملیاتی مؤسسه کار و املاء سازمان ملل.  
پیش پیش های جمعیتی باید بر اساس افزایش معادل سالانه ۳/۵ درصد در منطقه عملیاتی مؤسسه کار و املاء سازمان ملل انجام گیرد.

جدول ۲ - تعداد آوارگان بیت نام شده از سوی مؤسسه (۱۹۷۰-۱۹۹۱)

کشور	۱۹۹۱	۱۹۸۰	۱۹۷۰
کرانه غربی	۲۲۸/۶۹۳	۳۳۴/۰۳۵	۷۷۲/۶۹۲
غزه	۵۱۰/۵۱۶	۳۶۷/۹۹۷	۳۱۱/۸۱۴
دیگر کشورهای عرب	۱/۵۸۶/۰۳۸	۱/۱۵۲/۷۸۸	۸۴۰/۷۱۳
جمع	۲/۵۲۰/۲۷۷	۱/۸۴۴/۳۱۸	۱/۳۲۵/۲۱۹

پ.پ.ی. عربستان

گروه بررسی و تحقیق مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه